



جغرافیا و روابط انسانی، پاییز ۱۴۰۴، دوره ۸، شماره ۳، صص ۱۶-۱

واکاوی رویکرد و نظریه هویت معماری کریستوفر الکساندر در همگرایی اقوام و ادیان

(نمونه موردی: محلات مرکزی منتهی به خیابان امام ارومیه)

بلیس اوشانا شیرآباد^۱، شبنم اکبری نامدار^{۲*}، نسیم نجفقلی پور کلانتری^۳

۱. دانشجوی دکتری مهندسی معماری، دانشکده معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل جلفا، ایران.

۲. عضو هیئت علمی گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران.

۳. عضو هیئت علمی گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۲

چکیده

یکی از اصول کلیدی نظریه‌های کریستوفر الکساندر، تأکید بر شناخت عمیق محیط و ارتباط با فرهنگ‌های محلی است. این پژوهش با هدف بررسی هویت محیطی و معماری شهر ارومیه از دیدگاه نظریات الکساندر انجام شده است. ارومیه به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص و تنوع فرهنگی، محیطی مناسب برای تحلیل هویت محیطی و نقش معماری در تقویت همزیستی اقوام و ادیان مختلف دارد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و به صورت مطالعه موردی انجام شده است. داده‌ها از طریق مشاهده، مصاحبه و عکاسی گردآوری و سپس تحلیل شده‌اند. رویکرد کیفی و پارادایم فرااثبات‌گرایی به منظور دستیابی به شناختی عمیق از هویت معماری و نقش آن در همزیستی مسالمت‌آمیز استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که بناهای تاریخی و مذهبی ارومیه، مانند کلیسای ننه مریم و مسجد جامع، با محیط طبیعی و نیازهای فرهنگی مردم هماهنگ بوده و حس تعلق به مکان را تقویت می‌کنند. معماری ارومیه با بهره‌گیری از مصالح بومی و اصول پایداری، علاوه بر سازگاری با اقلیم، به ایجاد پیوندهای فرهنگی میان اقوام مختلف کمک کرده است. همچنین، فضاهای باز پیرامون بناها به عنوان نقاط گردهمایی اجتماعی و فرهنگی، تعاملات میان اقوام را تسهیل کرده‌اند. پژوهش نشان می‌دهد که معماری ارومیه، به دلیل استفاده از مصالح بومی و توجه به اصول پایداری، علاوه بر همخوانی با محیط طبیعی، به عنوان نمادی از همزیستی فرهنگی و تعاملات مثبت میان اقوام مختلف عمل کرده و می‌تواند الگویی برای دیگر محیط‌های چندفرهنگی باشد.

واژگان کلیدی: ارومیه، هویت محیطی، معماری، کریستوفر الکساندر، همگرایی اقوام.

۱- مقدمه و بیان مسئله

معماری همواره تبلور ارزش های حاکم بر جامعه بوده است و آثار شکوهمند معماری گذشته ما، در عین تامین کاربری مورد نیاز، هریک به تنهایی بار معانی و ارزش های فرهنگی مان را به دوش کشیده اند که در بستر زمان آنها را از جنبه فرآورده های فرهنگی به عنصری هویت ساز در ذهن هر ایرانی منتقل می کند. اما امروزه مسأله هویت مفهومی پیچیده و پرمناقشه در حوزه ها و گفتمان های مختلف است و هویت یابی به فرایندی مداوم از طریق منابع زندگی جدید تبدیل شده است. انسان از یکسو از بریده شدن از گذشته بیمناک است و از سوی دیگر تمایل زیادی به پیوستن به آینده دارد. اما یک فضای معماری به عنوان یک اثر هنری می تواند معنا و هویتی داشته باشد که گویای فرهنگ، تاریخ و سایر پدیده های معنوی جامعه باشد (گیوه چی، اعتصام، ۱۳۹۵: ۲۳). هویت در معماری به گفته الکساندر نه ناشی از تاریخی بودن و نه ناشی از ابتدایی بودن روند احداث آنها است و ملازمت و همراهی ضرورت هاست که اهمیت دارد. به تعبیر ادوارد سعید پرسش از هویت، چگونه «خود ماندن» است، نه چگونه «همان ماندن» بنابراین در عرصه معماری بحث از هویت در زندگی دیروز جریان داشته است. احیاء این کیفیت ها میتواند در ارتقای کیفیت زندگی انسان ها نقش مهمی داشته باشد. امروزه، ما در شهرها و خانه های خاکستری زندگی می کنیم، ولی هنگامی که وارد خانه های قدیمی می شویم، تحت تاثیر بازی چشم نواز نور و رنگ قرار می گیریم که از پشت پنجره های ارسی، داخل فضا می شود. هنگامی که این پنجره ها باز می شوند و از پس آنها، درختان دیده می شوند، روح تازه ای در فضا ایجاد می شود. این حس فضا، همان چیزی است که در فضاهای آپارتمانی امروزی به ندرت یافت می شود (بهزادفر، ۱۳۸۶: ۳۲). اقوام و ادیان با توجه به پتانسیل ها و ارزش های نهفته وجودی خویش در بافت تاریخی از این امکان برخوردارند که ویژگی ها و مختصات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خویش را به صورت بارزه هایی در معماری شان به منصه ظهور برسانند. در مکان هایی که تبلور همنشینی اقوام و ادیان وجود دارد، اگر هر یک از این تفاوت ها امکان بروز پیدا کرده باشند، می توان با تدقیق بر فرم و عملکرد ویژگی های هر یک از این اقوام و ادیان را به راحتی تمیز داده و بازشناخت (آیشم، ۱۳۹۵: ۲۳۴). ارومیه، شهر "دیگری" هاست که شامل دیگری های قومی - نژادی، دینی - مذهبی، فکری و اجتماعی و... می باشد و خیابان امام به عنوان یکی از خیابانهای با قدمت در بافت مرکزی و محلات منتهی به آن از محله های صاحب ارزش شهر مکانی است. ترکیب این تفاوت ها زمینه ای است مناسب برای بروز این دیگری ها. کثرت هایی که حول یک محور جمع شده و تعامل می کنند و این خود عاملی برای ایجاد وحدت در خیابان امام حول تمامی این کثرت هاست. اجرای خیابان امام در میان پهنه تاریخی و ارزشمند شهر ارومیه که بافت را به چهار ریزپهنه تقسیم می کند و در ادامه محلات قدیمی و معماری یکپارچه شهر و همچنین انسجام معماری بازار ارومیه از هم گسیخته می شود و مراکز محلاتی که زمانی خاطره رویدادهای اجتماعی برای اقوام و مذاهب گوناگون بودند جلوه ای از هم گسستگی از کالبد و فعالیت در منظر خیابان شهری امام ارومیه به نمایش می گذارند. به تبع معماری در وهله اول دستخوش تحولاتی می گردد که زمینه تمایز و فاصله گرفتن هرچه بیشتر آنها از یکدیگر فراهم می شود (کهندژ، ۱۳۹۰: ۷۷). این پژوهش با هدف شناخت مولفه های هویت سازی است که بر معماری اثر گذارده و درصدد آن بوده که ویژگیهای مختص معماری آن منطقه را رقم بزند. نمونه موردی مطرح شده در این پژوهش محلات مرکزی شهر ارومیه و منتهی به خیابان امام می باشد. شهر تاریخی و فرهنگی ارومیه

نمونه‌ای بزرگ از زندگی مسالمت آمیز اقوام و ادیان، فرهنگ‌ها و نژادهای مختلف با سابقه تاریخی حضور است. وجود ابنیه با ارزش هر کدام از آنها در مرکز شهر ارومیه بویژه محلات قدیمی اطراف خیابان امام به عنوان یکی از مهمترین پتانسیل‌ها در بازشناسی مولفه‌های هویت ساز معماری با تاکید بر همگرایی اقوام و ادیان خواهد بود. نگاه ویژه به مبحث اقوام و ادیان در این شهر می‌تواند علاوه بر وسعت بخشیدن به موضوع مهمی نظیر وفاق بین این اقوام، در راستای وحدت، همگرایی و زندگی مسالمت آمیز قدم بردارد. بازشناسی مولفه‌های هویت ساز اقوام و ادیان با به کارگیری رویکرد فرهنگی و تاکید بر عناصر ارزش مدار در نمونه موردی مطرح شده می‌تواند در راستای احیا بافت کهن شهری و حفاظت از ارزش‌ها و هویت شهری گام موثری را بردارد.

ارومیه، به عنوان یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران، از دیرباز محلی برای همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام و ادیان مختلف بوده است. این شهر با داشتن جامعه‌ای متشکل از مسلمانان، مسیحیان، یهودیان، آشوری‌ها، آرامنه و سایر گروه‌های قومی و مذهبی، نمونه‌ای بارز از یک شهر چندفرهنگی است. این تنوع فرهنگی و مذهبی نه تنها هویت اجتماعی و تاریخی شهر را شکل داده، بلکه تأثیرات قابل توجهی بر معماری و فضای شهری ارومیه داشته است. در طول قرون، بناهای مذهبی، مساجد، کلیساها و معابد، همگی بخشی از این هویت متنوع و پویا را تشکیل داده‌اند. با این حال، همگرایی این اقوام و ادیان مختلف در فضای شهری چالشی است که نیاز به مدیریت و طراحی دقیق معماری دارد تا بتواند فضایی را فراهم کند که هویت همه گروه‌ها را به رسمیت بشناسد و به همزیستی مسالمت‌آمیز آنها کمک کند. از این رو، بررسی و تطبیق رویکردها و نظریه‌های هویت معماری کریستوفر الکساندر با معماری ارومیه می‌تواند راهکاری برای تقویت این همگرایی باشد. نظریات الکساندر که بر ایجاد ارتباطات طبیعی و منطقی بین فرد و محیط، یکپارچگی با پیرامون، و تجسم کیفیت‌های بی‌نام در بناها تأکید دارد، می‌تواند به بهبود و توسعه فضای شهری ارومیه کمک کند تا این شهر بتواند همچنان به عنوان یک مرکز همگرایی فرهنگی و مذهبی باقی بماند. مسئله اصلی این است که چگونه می‌توان از نظریه‌های الکساندر برای حفظ و تقویت هویت معماری و فرهنگی ارومیه، و ایجاد فضایی همگرا و مشترک برای اقوام و ادیان مختلف استفاده کرد؟

۲- مبانی تحقیق

۱-۲. هویت

در فرهنگ لغت دهخدا به معنای تشخیص تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۳۷). در فرهنگ عمید، هویت به عنوان حقیقت یک شیء یا فرد که شامل ویژگی‌های اساسی اوست، توصیف می‌شود. همچنین، معادل‌های واژه‌ی هویت شامل شخصیت، ذات، هستی، و وجود هستند. فرهنگ معین هویت را به عنوان "آنچه که فرد را شناسایی می‌کند" تعریف می‌کند (آهویی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۸)، یعنی چیزی که باعث تفاوت فرد از دیگران می‌شود. در فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی، هویت به ذات و تشخیص و یگانگی موجودات اشاره دارد. واژه‌ی عربی هویت کاربرد فلسفی دارد و به دو چیز اشاره دارد که در وجود و حقیقت یکسان هستند، هرچند که ممکن است تفاوت‌هایی داشته باشند. هویت همچنین می‌تواند به معنای چیزی باشد که فرد را معرفی می‌کند و در ریاضیات، معادله‌ای که به ازای

تمام مقادیر متغیرهای خود ثابت باشد، آیدنتیتی نامیده می‌شود. به طور کلی، بررسی معانی و مفاهیم هویت در فرهنگ‌های لغت، چه فارسی و چه غیرفارسی، نشان می‌دهد که هویت به دو معنا استفاده می‌شود. معنای اول به ذات و جوهر یک شیء اشاره دارد و بیشتر در عرفان کاربرد دارد، جایی که خداوند به عنوان ذات و جوهر تمام اشیا تلقی می‌شود. معنای دوم به ویژگی‌هایی اشاره دارد که یک شیء را از اشیای دیگر متمایز می‌کند و در علوم طبیعی بیشتر کاربرد دارد. در این تعریف، هویت با کلماتی نظیر خودیت، اصالت، و شخصیت هم‌گروه می‌شود (قطبی، ۱۳۸۷: ۸۸۹).

۲-۲. هویت فردی، هویت جمعی

هویت به دو دسته فردی و جمعی تقسیم می‌شود. هویت فردی به احساس فرد نسبت به خود و تمایزات شخصی‌اش مربوط می‌شود. این تمایزات شامل عواملی مانند اسم، ملیت، قومیت، تمایلات شخصی، فکری، ارزشی و جهان‌بینی هستند که فرد را از دیگران متمایز می‌کنند (قطبی، ۱۳۸۷: ۸۹۰). به کمک هویت فردی یک فرد با گذشته‌اش مرتبط شده و احساس تداوم و یکپارچگی می‌کند. جستجوی هویت شخص، متضمن آن است که شخص تشخیص دهد که برای او چه چیزی مهم و چه کارهایی ارزشمند است. همچنین متضمن معیارهایی است که وی بر اساس آن بتواند رفتار خود و دیگران را هدایت و ارزیابی کند. افزون بر اینها، احساس هویت فردی به واسطه دیالکتیک میان فرد و جامعه شکل می‌گیرد. در واقع، هویت معمولاً در نگرش‌ها و احساسات افراد نمود می‌یابد ولی بستر شکل‌گیری آن زندگی جمعی است.

۳-۲. هویت کالبدی

اصطلاح یونانی Eidos دارای مفهوم نمای یک چیز و به معنی آنچه که چیزی را بدان تشخیص می‌دهیم می‌باشد؛ آنچه که به طور معمول شکل محسوس شخصیت یک شیء را به واسطه نمای دیداری شیء شامل می‌شود. معنی وسیع‌تر آن در بسط شخصیت و هویت ذاتی یک چیز نه صرفاً وجه دیداری آن ادامه می‌یابد که این به عنوان نوع و گونه اشیا شناخته می‌شود. یک شیء به اعتبار فرم خود (یا احساس بصری اولیه تشخیص تا درک مجرد جوهر) تشخیص داده شده و شناخته می‌شود و برای ما به عنوان یک موجودیت ممتاز آشکار می‌گردد.

۴-۲. هویت محتوایی

هر شهر مجموعه‌ای است متشکل از بارزترین و پیچیده‌ترین نظام‌های اجتماعی که طی سالیان طولانی و به همراه تضادهای درونی مربوطه به وجود می‌آید. شهرها به روش‌های مختلفی ساخته شده و فرم‌های گوناگونی را تولید می‌کنند، فرم‌ها علائم بصری هستند و نشانگر محتوای معنوی یک فرهنگ (هویت محتوایی) هستند. هویت محتوایی

بُعد غیر کالبدی و غیر ملموس هویت است و می‌توان آن را در ابعاد فرهنگی شامل معرفت، اعتقاد، هنر، اخلاقیات، قانون، آداب، همه‌ی توانایی‌ها و عادات مکتسب انسان در اجتماع جستجو کرد. همچنین می‌توان حافظه تاریخی، افتخارات، آرمان‌ها و ارزش‌ها را نیز در محدوده‌ی هویت محتوایی قلمداد کرد. بخش عمده‌ای از عوامل مؤثر در شکل‌دهی به سیما و هویت شهر، عوامل محتوایی هستند، عواملی که به نحوه‌ی اداره شهر، کاربری‌ها و یا دیگر مفاهیم مرتبط با موضوع اشاره می‌کند (خوش‌نیت و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۵).

۲-۵. هویت و معماری

هویت در معماری گاهی به معنای تمایز و جدایی از مکاتب دیگر و گاهی به معنای انسجام درونی و ریشه‌دار بودن تعریف می‌شود. تعریف اول نگاهی جامعه‌شناسانه و تاریخی دارد، درحالی‌که تعریف دوم به دیدگاه فلسفی و عرفانی نزدیک‌تر است. امروزه بیشتر، منظور از هویت، دیدگاه جامعه‌شناسانه است. باین‌حال، برخی روشنفکران و معماران نوگرای ایرانی معتقدند که بحث هویت برای کشورهایمانند ایران بی‌اساس و غیرمفید است. به عقیده آنها، با گسترش ارتباطات جهانی و شکل‌گیری دهکده جهانی، حفظ هویت ملی غیرممکن و غیرضروری شده و آنچه برای کشور ما اهمیت دارد، شناخت بیشتر و تطابق با تمدن جهانی است. اما این دیدگاه ناکام مانده است و حتی در غرب نیز توجه به هویت، چه در معماری و چه در تفکر، اهمیت فراوانی یافته است. در فرایند شکل‌گیری معماری، عوامل مختلفی مانند اقلیم، عملکرد، مصالح و فنون، نیروی انسانی و اقتصاد ساختمان بر کالبد نهایی تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این عوامل مادی، فیزیکی و محیطی - اقلیمی، شکل و فضای بنا باید از آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگی، تمثیلی و هنری جامعه نیز بهره‌مند باشد.

۲-۶. هویت مکان

با توسعه جوامع انسانی، توجه معماران، طراحان و برنامه‌ریزان به کیفیت فضاها و نقش طراحی به‌عنوان ابزاری برای شکل‌دهی به محیط زندگی و پاسخ‌گویی به توقعات و نیازهای انسان، اهمیت بیشتری یافته است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که محیط علاوه بر عناصر کالبدی، شامل پیام‌ها، معانی و رمزهایی است که مردم بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل، آن را رمزگشایی و درک می‌کنند و درباره آن به قضاوت می‌پردازند (راپاپورت، ۱۹۹۰: ۷۶). این حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می‌آید، حس مکان نامیده می‌شود. حس مکان عاملی مهم در هماهنگی فرد و محیط است و باعث بهره‌برداری از محیط، رضایت استفاده‌کنندگان و در نهایت احساس تعلق آن‌ها به محیط و تداوم حضور در آن می‌شود. برخی فضاها چنان روح مکان قوی دارند که بر انسان‌های مختلف تأثیرات مشابه می‌گذارند. این تأثیرات می‌توانند کوتاه‌مدت یا بلندمدت و مثبت یا منفی باشند. معماری و مکان حداقل به اندازه ویژگی‌های کالبدی، مفاهیم انسانی و اجتماعی هستند (رخشان، ۱۳۹۷: ۴).

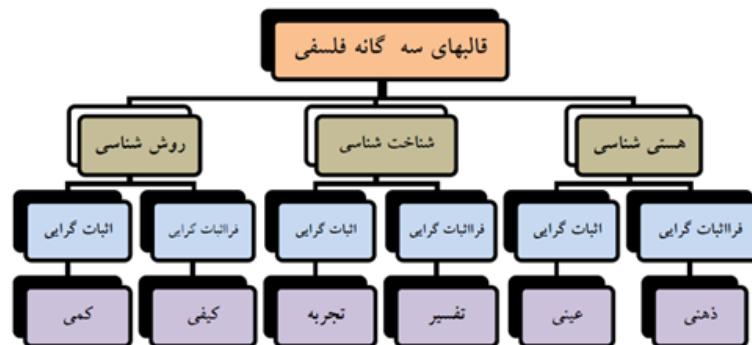
نتیجه مطالعات معصومه آیشم (۱۳۹۵) در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان طراحی مسیر اقوام و ادیان در بافت کهن شهر ارومیه با رویکرد گردشگری در خیابان امام خمینی ارومیه نشان می دهد که با بکارگیری اصول طراحی ارزش مدار و گردشگری فرهنگی و مداخله در بافت های کهن با ایجاد محور اقوام و ادیان، می توان به خلق فضا به عنوان کامل ترین فضای تعامل فرهنگی بین همه اقوام و ادیان در شهر ارومیه دست یافت. همچنین این محور در بافت کهن شهر ارومیه علاوه بر رفع نیاز بافت، می تواند در راستای جذب گردشگر، افزایش حضورپذیری در بافت و فضایی بعنوان تعامل و تبادل گام بردارد. دست آورد این پژوهش تبیین رابطه مفهوم ارزش و حفاظت از بافت کهن، تبیین گونه های ارزش میراث معماری و شهرسازی، استخراج نموده های طراحی ارزش مدار مبتنی بر گردشگری فرهنگی در طراحی شهری، مطالعه تجارب جهانی و ایرانی در این زمینه و طراحی محور اقوام و ادیان براساس اصول و معیارهای به دست آمده از بخش مبانی نظری می باشد. همچنین سلطان احمدی (۱۳۹۴) در پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان بازآفرینی بافت تاریخی شهر ارومیه با تاکید بر ابقا اقوام و ادیان و ایجاد پیوستگی فضایی عناصر شاخص شهری (مطالعه موردی: محله مهدی القدم ارومیه) نیز به این نتیجه دست یافته است که وجود اقوام و ادیان همانند سایر عناصر از قبیل مسجد، بازار، میدان، تکایا، سقاخانه ها و امامزاده ها و ... در شکل گیری بافت های کهن شهری تاثیر بسزایی داشته است و می توان با بازآفرینی و ساماندهی بافت و خلق فضاهایی، پیوستگی فضایی میان عناصر شاخص شهری نظیر مساجد و کلیساها را تقویت نمود. در پژوهشی دیگر احسان داننده حصار (۱۳۹۶) با عنوان طراحی مرکز فرهنگی اقوام با رویکرد پدیدارشناسی معماری در ارومیه، حاکی از آن است که تعامل پذیری از معیارهای مهم اجتماع پذیر بودن یک مکان است که به عوامل کیفی معماری نظیر نزدیک بودن افراد مخاطب فضا با یکدیگر در محیط برای افزایش کنش های تصادفی، حرکت و تجربه، رابطه با فضا، ایجاد و تقویت پتانسیل های شکل گیری شبکه های اجتماعی، ایجاد فضاهای سکون و خلوت برای آرامش افراد بستگی دارد. و در پژوهشی دیگر شکوفه فیضی (۱۳۹۰) نیز در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان طراحی گنجینه ادیان توحیدی در ارومیه؛ یکی از وظایف معماران را خلق فضاهایی با تاثیرات عمیق است. با توجه به بررسی تاریخ ادیان، قومیت ها و مردم شناسی در ارومیه و تنوع فرهنگی و قومیتی، این شهر پتانسیل قابل توجهی را برای مجموعه ای با موضوع دینی و فرهنگی داراست. همچنین ایجاد فضایی برای حفظ اصالت دینی و قومی فرد در جامعه ای که در آن زندگی می کند و در عین حال خلق فضایی مهیج که معماری و اصالت دینی گذشته را با امروز پیوند دهد و هم پاسخگوی هیجانات طبیعی فرد بوده و او را به تامل و تفکر وادارد از اهداف اصلی طراحی چنین مجموعه ای دانسته است. در پژوهشی دیگر پیشنماز اهری و پناهی (۱۴۰۲) به پژوهشی با عنوان "آسیب شناسی نظام بازآفرینی بافت های تاریخی از منظر رویکردهای یکپارچه و پایدار (مورد مطالعه: کلان شهر تبریز)" پرداختند. پژوهش حاضر با هدف آسیب شناسی نظام

بازآفرینی بافت‌های تاریخی در کلان‌شهر تبریز و ارائه‌ی راهکارهای اجرایی به‌منظور دست‌یابی به وضعیت مطلوب نگارش شده است. روش تحقیق در پژوهش حاضر آمیخته (کمی-کیفی)، با هدف توسعه‌ای-کاربردی و ماهیت تحلیلی-اکتشافی می‌باشد. در راستای تحلیل اطلاعات نیز از مدل تحلیل عاملی Q و آزمون تی تک‌نمونه‌ای در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. همچنین جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر شامل مدیران و کارشناسان شهری و نخبگان دانشگاهی می‌باشد که بر اساس روش دلفی نخبگان ۲۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که پنج عامل اصلی در نارسایی نظام بازآفرینی بافت‌های تاریخی در کلان‌شهر تبریز تأثیرگذارند که به ترتیب عبارتند از: عدم وجود مدیریت یکپارچه، ناکارآمدی طرح‌ها و برنامه‌ها، عدم هماهنگی و مشارکت، عدم ظرفیت‌سازی نهادی و عدم تأکید بر دانش‌محوری. این ۵ عامل در مجموع ۸۰/۴۰۲ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند، یعنی عدم بازآفرینی مناسب بافت‌های تاریخی در شهر تبریز در حدود ۸۰ درصد شامل اثرات (عوامل) استخراج‌شده می‌باشد و حدود ۲۰ درصد نیز سایر عوامل را دربر می‌گیرد که خارج از بحث‌های مطرح‌شده در این تحقیق می‌باشد. همچنین میزان تحقق شاخص‌های پایداری و یکپارچه در نظام بازآفرینی بافت‌های تاریخی کلان‌شهر تبریز در وضعیت نامطلوبی قرار دارد.

۳- روش تحقیق

بر اساس هدف، تحقیقات علمی به دودسته بنیادی و کاربردی تقسیم می‌شوند. نوع تحقیق حاضر از نظر هدف توسعه‌ای و به لحاظ ماهیت کاربردی می‌باشد، چرا که به دنبال بازشناسی مؤلفه‌های هویت‌ساز معماری با تأکید همگرایی اقوام و ادیان می‌باشد و نتایج حاصل از آن در معماری، طراحی شهری، شهرسازی و... قابل استفاده می‌باشد. روش تحقیق این رساله با توجه به ماهیت موضوع پژوهش، از لحاظ محتوا نوعی پژوهش کمی - کیفی به شمار می‌آید، اما اساس پژوهش متکی بر روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد، بدین صورت که در بخش توصیفی - تحلیلی به صورت پیمایشی به برداشت‌های میدانی و گردآوری داده‌ها از طریق مشاهده، مصاحبه، عکاسی و... پرداخته می‌شود. در هر یک از حوزه‌های تحقیق روش‌های مختلفی؛ بسته به ویژگی‌ها، رویکردها، الزامات، فرضیات و هدف پژوهش؛ ملاک عمل پژوهشگران است. روش به‌کاررفته شده در پژوهش حاضر نیز با توجه به ویژگی‌ها، رویکردها، الزامات، فرضیات و اهداف پژوهش که مطالعه عمیق و چندجانبه یک مورد خاص است، روش مطالعه موردی است که در چهار مرحله بیان مسئله و انتخاب مورد، انجام عملیات میدانی و گردآوری داده‌ها، سازماندهی آنها و در نهایت تدوین گزارش نهایی صورت می‌گیرد. در میان رویکردهای گوناگون درباره مطالعه اشیاء و پدیده‌های طبیعی و انسانی می‌توان به دو رویکرد کلی «فرااثبات‌گرایی» و «پوزیتویستی» یا «اثبات‌گرایی» (برای مثال پدیدارشناسی) اشاره کرد که هر یک از این رویکردها متشکل از مقولات گوناگون «هستی‌شناسی»، «شناخت‌شناسی» و «روش‌شناسی» می‌باشند. هستی‌شناسی تحقیق، بازتاب نگرش تحقیق گر درباره سرشت جهان است. شناخت‌شناسی تحقیق عبارت است از مطالعه اینکه چگونه و چه چیزی را می‌توان شناخت و روش‌شناسی تحقیق عبارت است از تحلیل مفروضات، اصول و روش‌های اجرا در رویکردی خاص به تحقیق است؛ بنابراین، وقتی در حوزه علوم طبیعی کار علمی می‌کنیم از آنجاکه

هستی‌شناسی آن از نوع عینی است؛ لذا شناخت‌شناسی خاص آن تبیینی بوده و باید با روش‌شناسی «پوزیتیویستی» مورد بررسی قرار گیرد. اما وقتی درباره مدیریت محلی و جهانی‌شدن یک منطقه تحقیق می‌کنیم که در حوزه علوم انسانی قرار دارد، هستی‌شناسی آن هم «عینی» (مکان افراد) و هم «ذهنی» می‌باشد (ذهنیت افراد). براین اساس شناخت‌شناسی و روش‌شناسی آن نیز به ترتیب هنگامی که در حوزه عینیات قرار می‌گیرد از نوع تبیینی و پوزیتیویستی بوده و هنگامی که در حوزه ذهنیات قرار می‌گیرد از نوع تفسیری و غیر پوزیتیویستی (هرمنوتیک و پدیدارشناسی) خواهد بود.



شکل ۱- روش‌های مطالعاتی علوم در قالب‌های سه گانه فلسفی

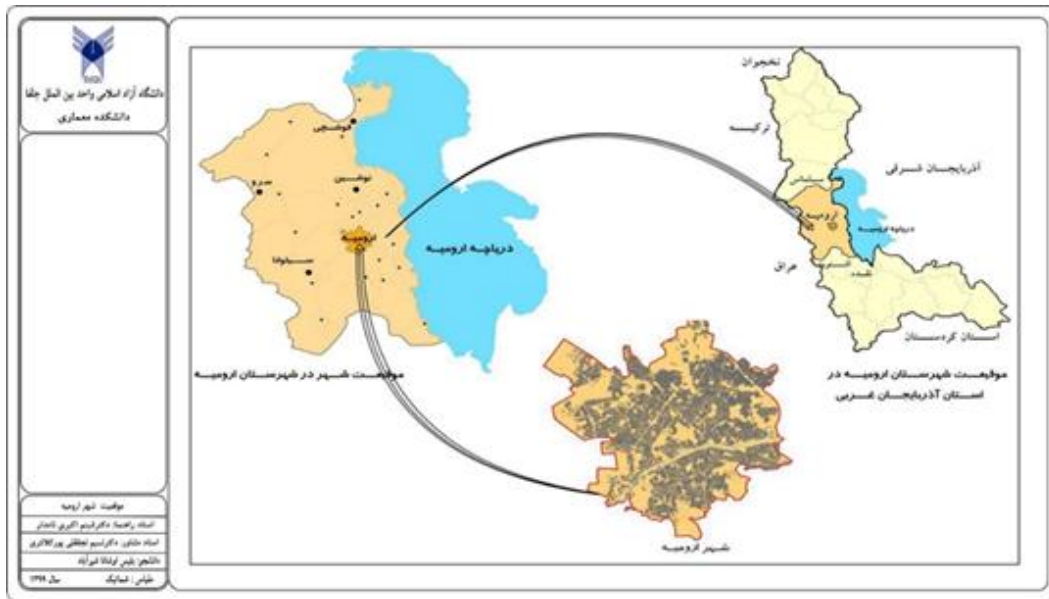
باتوجه به مطالب ذکر شده و شکل بالا، نوع پارادایم این پژوهش، فرائیات‌گرایی مبنی بر روش کیفی است.

۴- محدوده مورد مطالعه

شهر ارومیه مرکز شهرستان ارومیه و مرکز استان آذربایجان غربی است که در فاصله‌ی ۱۸ کیلومتری دریاچه ارومیه، در موقعیت ۴۵ درجه و ۴ دقیقه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۳۳ دقیقه شمالی در داخل جلگه‌ای به طول ۷۰ کیلومتر و عرض ۳۰ کیلومتر واقع شده است که بر پهنه‌ای به مساحت ۱۰۵۴۸ کیلومتر مربع گسترده شده است که بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، ۷۳۶ هزار و ۲۲۴ نفر جمعیت داشته است. ارومیه را باید یکی از شهرهای بسیار بزرگ نه تنها در استان آذربایجان غربی بلکه در سراسر ایران به حساب آورد. ارومیه در دامنه‌ی کوه سیر و در ارتفاع ۱۳۳۲ متری از غرب دریاچه‌ی ارومیه و در دشت‌هایی به همین نام قرار گرفته است. دورتادور ارومیه را کوه‌هایی به نام‌های جهودها، کوه قیز قلعه، کوه ماه، کوه پنجه سی، کوه چهل مر شهیدان، کوه علی ایمان و کوه سیر فراگرفته است. ارومیه همچنان یکی از شهرهای بسیار خوش‌آب‌وهوای ایران است و از وضعیت معتدلی از لحاظ دمای هوا به سر می‌برد. زمستان‌های این شهر سرد و تابستان‌هایش گرم است. بر اساس طرح جامع سال ۱۳۹۶ این شهر مشتمل بر ۵ منطقه شهری می‌باشد که محدوده مورد مطالعه در منطقه ۴ و در بخش میانی و قدیمی شهر قرار گرفته است. موقعیت محدوده مطالعات خیابان امام ارومیه، در قسمت مرکزی شهر و در تقسیمات منطقه‌ای شهرداری در منطقه ۴ ارومیه واقع گردیده است. این منطقه قدیمی‌ترین و پرتراکم‌ترین منطقه شهر به لحاظ جمعیتی و کالبدی است و توسعه شهر وابسته به همین منطقه می‌باشد. آنچه از مطالعات ساختار معابر و کوچه‌بندی شهر قدیم و وضعیت

امروزی شهر ارومیه حاصل می‌شود، سمت شمال و غرب خیابان امام خمینی (ره) و خود بازار از قدیمی‌ترین بخش‌های شهر ارومیه می‌باشند. در بیان وضع موجود و علت چرایی انتخاب مورد مطالعاتی می‌توان گفت: این خیابان

دارای محلات قدیمی و هسته اولیه شکل‌گیری شهر ارومیه می‌باشد و مراکز محلات قدیمی این محدوده خاطره رویدادهای اجتماعی برای اقوام و مذاهب گوناگون می‌باشد.



شکل ۲- موقعیت شهر ارومیه

مردم ارومیه از چند ایل و طایفه تشکیل شده‌اند که معروف‌ترین آنها ایل افشار است. ایل افشار در دوره شاه‌عباس کبیر در جنگ عثمانی‌ها بعد از اینکه موصل به خاک عثمانی ملحق گردید، به ریاست کلبعلیخان افشار معروف به (ایب قیران) با هشت هزار خانواده ایلات افشار در نواحی ارومیه و شهر ارمی سکنی گزیدند. ایل افشار نیز از همین گروه بودند که بعدها کوچ کرده و به نواحی خراسان رفتند و در کلات نادری تاریخ مفصل نادری را رقم زدند. از طوایف منصور افشار در نواحی ارومیه، ایل ای قاسملو، گوندوزلو، کلکلو، ایمانلو، عرشلو، پاپلو و قریلو می‌باشند که در نواحی بکشلوچای، نازلوچای، باراندوز، محال دوز و روضه چای سکونت اختیار کردند، اما با توجه به آمیخته شدن با مهاجرین و اقوام دیگر آن اصالت واقعی باقی نمانده است. فرهنگ مردم این خطه نیز در ارتباط با عوامل متعدد جغرافیائی، تاریخی، مذهبی و تحت‌تأثیر گرایش‌های متعدد اجتماعی، فرهنگی شکل گرفته است که در ادامه به آن پرداخته شده است. ساکنان شهر ارومیه را می‌توان در حالت کلی در سه دسته عنوان کرد:

- گروه اول: این گروه در حقیقت اکثریت ساکنان شهر ارومیه را تشکیل می‌دهد، شامل مسلمانان می‌باشند.
- گروه دوم: مسیحیان ارمنه و آشوری
- گروه سوم: اقلیت یهودی (کلیمیان)

آذری‌ها، کردها، آشوری‌ها و آرامنه هر یک بر اساس ویژگی‌های قومی - دینی خود آداب و سنن مخصوص دارند که از آن میان سنن مسلمانان از مقام برجسته‌ای برخوردار است. اگرچه فرهنگ و سنن مردم آذربایجان از بسیاری جهات با فرهنگ عمومی سایر نقاط ایران شباهت‌هایی دارد، ولی در عین حال با ویژگی‌های همراه است که مهم‌ترین آن تکامل زبانی و زایش‌های ویژه فرهنگی در عرصه‌های مختلف زبان و هنر است. فولکلور یا ادبیات شفاهی مردم منطقه نیز، مانند تاریخ و زبان خود، از سابقه‌ای کهن برخوردار است. اشکال مختلف ادبیات فولکلوریک این خطه محصول پیکار و تلاش مردمی است که غم‌ها، شادی‌ها، آرزوها، نفرت و محبت خود را در قالب‌های مختلف هنری منعکس کرده‌اند. نمونه‌های گوناگون این نوع آثار، عادات، روش‌ها، آداب، رسوم، اعتقادات، باورهای دینی، مذهبی و دلبستگی‌ها و ارزش‌ها و نهادهای اجتماعی عصرهای مختلف را به خوبی نشان می‌دهند. مسیحیان اعم از ارمنی و آشوری، اعیاد مذهبی و ملی خود را در کلیساها، توأم با مراسم ویژه انجام می‌دهند.

۵- یافته‌ها

۱-۵. تحلیل هویت محیطی ارومیه بر اساس رویکرد الکساندر

در جدول زیر، تحلیل هویت محیطی ارومیه بر اساس رویکرد کریستوفر الکساندر به طور خلاصه ارائه شده است:

جدول ۱- تحلیل هویت محیطی ارومیه بر اساس رویکرد کریستوفر الکساندر (نگارندگان)

موضوع	توضیحات
شناخت عمیق محیط و ارتباط با فرهنگ‌های مختلف	ارومیه شهری با موقعیت جغرافیایی خاص، در کنار دریاچه ارومیه و منطقه‌ای کوهستانی است که تأثیرات مستقیم بر سبک زندگی و معماری دارد. این شهر، بستر همزیستی اقوام و ادیان مختلف است و معماری آن با اقلیم و تنوع فرهنگی تعامل دارد. هر قوم و مذهب با الهام از محیط پیرامون خود، ساختارهای کالبدی ویژه‌ای در این شهر ایجاد کرده است.
نقش هویت محیطی در تقویت حس تعلق	نظریه هویت محیطی الکساندر بر ارتباط طبیعی و منطقی افراد با محیط تأکید دارد. در ارومیه، بناهای مذهبی و تاریخی هماهنگ با نیازهای فرهنگی و اجتماعی، حس تعلق را تقویت می‌کنند. مساجد، کلیساها و معابد به عنوان عناصری شهری، تطابق میان معماری و فرهنگ هر قوم را نشان می‌دهند و از طریق همزیستی گروه‌های مختلف، حس تعلق جمعی در شهر را تقویت می‌کنند.

شناخت عمیق محیط و ارتباط با فرهنگ‌های مختلف: ارومیه به عنوان شهری که در طول تاریخ بستر همزیستی اقوام و ادیان مختلف بوده، به دلیل موقعیت جغرافیایی و طبیعی خود نیز از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. این شهر در کنار دریاچه ارومیه و در منطقه‌ای کوهستانی قرار دارد که به لحاظ زیست‌محیطی و اقلیمی، تأثیر مستقیمی بر سبک زندگی و معماری محلی داشته است. از منظر رویکرد کریستوفر الکساندر، شناخت عمیق محیط، اولین گام در شکل‌گیری هویت معماری است. محیط طبیعی و فرهنگی ارومیه باعث شده که معماری این شهر، نه تنها با اقلیم بلکه با تنوع فرهنگی و مذهبی جامعه آن نیز در تعامل باشد. در این راستا، هر کدام از گروه‌های قومی و مذهبی که در ارومیه زندگی می‌کنند، از محیط پیرامون خود الهام گرفته‌اند و این الهام در ساختارهای کالبدی شهر مشهود است. برای مثال، معماری سنتی در این منطقه با توجه به اقلیم سرد و معتدل طراحی شده است و سازه‌های بومی از مصالحی

استفاده می‌کنند که با محیط طبیعی و اقلیمی سازگار است.

نقش هویت محیطی در تقویت حس تعلق: نظریه هویت محیطی الکساندر تأکید می‌کند که افراد باید بتوانند ارتباط طبیعی و منطقی با محیط پیرامون خود برقرار کنند تا حس تعلق به مکان شکل گیرد. در ارومیه، بناهای تاریخی و مذهبی که با نیازهای فرهنگی، مذهبی و اجتماعی اقوام مختلف هماهنگ شده‌اند، این حس تعلق را تقویت کرده‌اند. مساجد، کلیساها و معابد، که به طور هماهنگ در کنار هم قرار دارند، نمادی از این حس تعلق هستند. این بناها نه تنها به عنوان مکان‌های مذهبی بلکه به عنوان عناصر شهری که با معماری و فرهنگ هر قوم تطبیق یافته‌اند، به ایجاد ارتباط عمیق‌تر بین مردم با محیط خود کمک می‌کنند. این تنوع فرهنگی و مذهبی، از طریق شناخت محیط و همزیستی گروه‌های مختلف در ارومیه، به تقویت حس تعلق جمعی در این شهر منجر شده است.

۲-۵. هویت کالبدی و معماری ارومیه بر اساس راه بی‌زمان الکساندر

در جدول زیر، تحلیل هویت کالبدی و معماری ارومیه بر اساس نظریه "راه بی‌زمان" کریستوفر الکساندر به طور خلاصه ارائه شده است:

جدول ۲- تحلیل هویت کالبدی و معماری ارومیه بر اساس نظریه "راه بی‌زمان" (نگارندگان)

موضوع	توضیحات
تحلیل بناهای تاریخی و مذهبی ارومیه	بناهای تاریخی مانند مساجد، کلیساها و معابد، نمادهای برجسته تنوع فرهنگی ارومیه هستند. این سازه‌ها بر اساس نظریه راه بی‌زمان الکساندر، با محیط پیرامونی و نیازهای فرهنگی و اجتماعی مردم هماهنگ طراحی شده‌اند. برای مثال، کلیسای ننه مریم و مسجد جامع با مصالح بومی و اصول معماری سنتی ساخته شده‌اند و تعامل میان فرهنگ‌ها و ادیان مختلف را نشان می‌دهند.
مفهوم یکپارچگی و تداوم در معماری ارومیه	بر اساس رویکرد الکساندر، بناهای مذهبی و تاریخی ارومیه به گونه‌ای طراحی شده‌اند که با محیط طبیعی و اجتماعی یکپارچه شوند. استفاده از آجر و سنگ به دلیل هماهنگی با اقلیم و دوام آنها در برابر تغییرات محیطی، نشان‌دهنده تداوم این سبک در معماری ارومیه است.
ضرورت هماهنگی با ضرورت‌ها و نیازهای بومی	معماری ارومیه با توجه به نیازهای بومی و فرهنگی منطقه طراحی شده است. مساجد و کلیساها به عنوان فضاهای مذهبی و اجتماعی عمل می‌کنند. اصول پایداری مانند استفاده از انرژی طبیعی، مصالح بومی و توجه به اقلیم، راهکارهایی هستند که در طراحی این بناها لحاظ شده‌اند.

تحلیل بناهای تاریخی و مذهبی ارومیه: بناهای تاریخی ارومیه از جمله مساجد، کلیساها، و معابد، نمادهای برجسته‌ای از همزیستی و تنوع فرهنگی این شهر هستند. بر اساس نظریه راه بی‌زمان الکساندر، این بناها باید با محیط پیرامون و نیازهای اجتماعی و فرهنگی هماهنگ باشند. برای مثال، کلیسای ننه مریم، که یکی از قدیمی‌ترین کلیساهای جهان است، به گونه‌ای طراحی شده که در فضای شهری ارومیه به طور طبیعی جای گرفته است و نه تنها نقش مذهبی، بلکه هویت فرهنگی خاصی برای آرامنه ساکن این شهر ایجاد کرده است. همچنین، مساجد ارومیه، مانند مسجد جامع، از اصول معماری سنتی ایرانی تبعیت می‌کنند و با محیط پیرامونی خود، چه از نظر مصالح بومی و چه از نظر هماهنگی با بافت شهر، همخوانی دارند. این بناها نشان‌دهنده این هستند که چگونه اقوام مختلف توانسته‌اند از طریق سازه‌های کالبدی خود، به تعامل و همزیستی با دیگر فرهنگ‌ها و ادیان بپردازند.

مفهوم یکپارچگی و تداوم در معماری ارومیه: بر اساس رویکرد الکساندر، معماری باید بتواند با محیط طبیعی و

اجتماعی خود یکپارچه شود و تداوم داشته باشد. در ارومیه، بناهای مذهبی و تاریخی در راستای این اصل طراحی شده‌اند. ساختار این بناها به گونه‌ای است که با طبیعت منطقه و نیازهای فرهنگی و اجتماعی مردم هماهنگ باشد. برای مثال، استفاده از آجر و سنگ در ساختمان‌های تاریخی، نه تنها به دلیل دسترسی آسان به این مصالح، بلکه به دلیل هماهنگی با شرایط اقلیمی و دوام آنها در برابر تغییرات آب و هوایی بوده است.

ضرورت هماهنگی با ضرورت‌ها و نیازهای بومی: نظریه الکساندر بر این اساس است که معماری باید نیازهای بومی و ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی را در نظر بگیرد. در ارومیه، ساخت بناهای مذهبی و اجتماعی همواره با توجه به نیازهای محلی طراحی شده است. برای نمونه، مساجد و کلیساها نه تنها به عنوان اماکن مذهبی بلکه به عنوان مکان‌های گردهمایی و تعامل اجتماعی ساخته شده‌اند. به این ترتیب، ضرورت‌های بومی مانند شرایط اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی در طراحی این فضاها مد نظر قرار گرفته است. راهکارهای پایداری معماری، از جمله استفاده از انرژی طبیعی، مصالح بومی، و توجه به اقلیم، نمونه‌هایی از این هماهنگی هستند.

۳-۵. کیفیت‌های بی‌نام در معماری ارومیه و نقش آنها در همگرایی اقوام

در جدول زیر، تحلیل کیفیت‌های بی‌نام در معماری ارومیه و نقش آنها در همگرایی اقوام به طور خلاصه ارائه شده است:

جدول ۳- تحلیل کیفیت‌های بی‌نام در معماری ارومیه (نگارندگان)

موضوع	توضیحات
تجسم روح و جوهره مکان	"کیفیت‌های بی‌نام" الکساندر به جنبه‌های نامحسوس معماری اشاره دارد که حس زندگی و روح مکان را تجسم می‌بخشند. در ارومیه، این کیفیت‌ها در معماری بناهای مذهبی و تاریخی مشهود است. فضاهای باز اطراف مساجد و کلیساها، به عنوان مکان‌های گردهمایی، حس همزیستی و همگرایی فرهنگی را تقویت می‌کنند.
نقش نمادهای مشترک معماری در ایجاد پیوند میان اقوام	معماری ارومیه از نمادها و الگوهای هندسی و رنگ‌های مشترکی بهره می‌برد که میان تمامی اقوام و ادیان ساکن این شهر معنا دارند. این نمادها، حس مشترکی از روح مکان را ایجاد می‌کنند و به تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز میان اقوام مختلف کمک می‌نمایند.

تجسم روح و جوهره مکان: یکی از مفاهیم کلیدی الکساندر، "کیفیت‌های بی‌نام" است که به آن جنبه‌های نامحسوس معماری اشاره دارد که حس زندگی و روح مکان را تجسم می‌بخشند. در ارومیه، این کیفیت‌های بی‌نام به ویژه در معماری بناهای مذهبی و تاریخی شهر دیده می‌شود. این بناها، با ترکیب‌های ساده و با الهام از نیازهای فرهنگی و اجتماعی مردم، به گونه‌ای طراحی شده‌اند که حس زنده‌ای از همزیستی و همگرایی فرهنگی را منتقل می‌کنند. برای مثال، فضاهای باز اطراف مساجد و کلیساها به عنوان مکان‌های گردهمایی مردم از ادیان مختلف عمل کرده و حس وحدت و همگرایی را در میان اقوام گوناگون ایجاد می‌کنند.

نقش نمادهای مشترک معماری در ایجاد پیوند میان اقوام: معماری ارومیه از نمادهایی استفاده می‌کند که برای تمامی اقوام و ادیان ساکن این شهر معنا دارند. برای نمونه، استفاده از الگوهای هندسی در تزئینات داخلی مساجد و کلیساها، و یا بهره‌گیری از رنگ‌ها و مصالح مشترک، به ایجاد حس پیوند میان اقوام کمک کرده است. این نمادها، با وجود

تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی، احساس مشترکی از روح مکان را برای همه افراد به وجود می‌آورند. این پیوندها، بر اساس نظریه‌های الکساندر، به تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز میان مردم ارومیه کمک کرده و فضایی مشترک و پایدار برای اقوام و ادیان مختلف ایجاد کرده‌اند.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

بررسی هویت معماری و محیطی شهر ارومیه با بهره‌گیری از نظریه‌های کریستوفر الکساندر، به ویژه رویکردهای "هویت محیطی"، "راه بی‌زمان"، و "کیفیت‌های بی‌نام"، نشان می‌دهد که این شهر تاریخی به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود و حضور اقوام و ادیان گوناگون، توانسته است همگرایی و همزیستی فرهنگی را به شکلی ملموس در ساختارهای کالبدی و معماری خود تجلی بخشد. ارومیه به عنوان یک شهر چندفرهنگی، با ترکیبی از محیط طبیعی منحصر به فرد و تنوع قومی و مذهبی، نمونه‌ای بارز از تعاملات معماری و اجتماعی بین اقوام مختلف را ارائه می‌دهد. یکی از اصول کلیدی نظریه‌های الکساندر، تأکید بر شناخت عمیق محیط و ارتباط با فرهنگ‌های محلی است. این اصل در ارومیه به وضوح مشاهده می‌شود. شهر در حاشیه دریاچه ارومیه و منطقه‌ای کوهستانی قرار دارد که تأثیرات مستقیمی بر سبک زندگی و معماری آن داشته است. اقوام مختلف ساکن در ارومیه، از جمله مسلمانان، ارمنه، و سایر گروه‌های مذهبی، با الهام از این محیط طبیعی، ساختارهای کالبدی خود را طراحی کرده‌اند. استفاده از مصالح بومی همچون آجر و سنگ، که با شرایط اقلیمی و طبیعی منطقه سازگاری دارد، یکی از ویژگی‌های بارز معماری این شهر است. هویت محیطی ارومیه نیز نقشی مهم در تقویت حس تعلق میان مردم دارد. بر اساس نظریه الکساندر، حس تعلق زمانی شکل می‌گیرد که افراد بتوانند ارتباط منطقی و طبیعی با محیط خود برقرار کنند. در ارومیه، بناهای تاریخی و مذهبی، از جمله مساجد و کلیساها، با نیازهای فرهنگی و اجتماعی مردم هماهنگ شده‌اند. این هماهنگی موجب تقویت حس تعلق جمعی در بین ساکنان شده است. به عنوان مثال، مساجد و کلیساها در کنار هم قرار دارند و این واقعیت، نمادی از همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام و ادیان مختلف در شهر است. تحلیل بناهای تاریخی و مذهبی ارومیه بر اساس نظریه "راه بی‌زمان" الکساندر نیز نشان می‌دهد که این بناها با محیط طبیعی و اجتماعی خود هماهنگی دارند و با گذر زمان نیز همچنان معنادار باقی مانده‌اند. برای نمونه، کلیسای ننه مریم، به عنوان یکی از قدیمی‌ترین کلیساها، جهان، با طراحی ساده و استفاده از مصالح محلی، به طور طبیعی در فضای شهری ارومیه جای گرفته است. این بنا نه تنها به عنوان یک مکان مذهبی، بلکه به عنوان نمادی از هویت فرهنگی ارمنه ساکن ارومیه شناخته می‌شود. همچنین، مسجد جامع ارومیه، با رعایت اصول معماری سنتی ایرانی و استفاده از مصالح بومی، تعامل فرهنگی میان اقوام را به خوبی نشان می‌دهد. این بناها بیانگر تعاملات مثبت و سازنده میان اقوام و ادیان مختلف از طریق معماری هستند. در ارومیه، مفهوم یکپارچگی و تداوم در معماری به خوبی به چشم می‌خورد. بر اساس نظریه‌های الکساندر، معماری باید بتواند با محیط طبیعی و اجتماعی یکپارچه شود و این یکپارچگی در ارومیه با استفاده از مصالح محلی و پایبندی به اصول معماری سنتی ایرانی تحقق یافته است. برای مثال، استفاده از آجر و سنگ در بناهای تاریخی این شهر، نه تنها به دلیل دسترسی آسان به این مصالح بوده است، بلکه به دلیل دوام آنها در برابر تغییرات اقلیمی نیز انتخاب شده است. این یکپارچگی با محیط باعث می‌شود که بناها با گذر زمان همچنان معنادار باقی بمانند و نقش مهمی در تداوم فرهنگی و اجتماعی داشته باشند. ضرورت هماهنگی معماری با نیازهای بومی نیز یکی دیگر از اصول نظریه‌های

الکساندر است که در ارومیه به خوبی مورد توجه قرار گرفته است. ساخت بناهای مذهبی و اجتماعی، از جمله مساجد و کلیساها، با در نظر گرفتن نیازهای بومی و فرهنگی طراحی شده است. این فضاها نه تنها به عنوان اماکن مذهبی، بلکه به عنوان مکان‌هایی برای گردهمایی و تعامل اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند. استفاده از راهکارهای معماری پایدار، از جمله بهره‌گیری از انرژی طبیعی، مصالح بومی و توجه به اقلیم منطقه، نمونه‌های بارزی از این هماهنگی هستند. در نهایت، مفهوم "کیفیت‌های بی‌نام" در معماری ارومیه به شکلی بارز به تجلی رسیده است. این مفهوم به جنبه‌های نامحسوس معماری اشاره دارد که حس زندگی و روح مکان را به تصویر می‌کشد. در ارومیه، فضاهای باز اطراف مساجد و کلیساها به عنوان مکان‌های گردهمایی مردم از ادیان مختلف عمل کرده و حس وحدت و همگرایی را در میان اقوام گوناگون تقویت می‌کنند. همچنین، استفاده از نمادهای مشترک در معماری، مانند الگوهای هندسی و رنگ‌های مشابه، به تقویت پیوند میان اقوام و ادیان مختلف کمک کرده است. این نمادها، با وجود تفاوت‌های فرهنگی، حس مشترکی از روح مکان را برای همه افراد به وجود می‌آورند و به تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز در این شهر کمک کرده‌اند. در مجموع، ارومیه به عنوان شهری که از دیرباز بستر همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام و ادیان مختلف بوده است، نمونه‌ای موفق از تحقق نظریه‌های الکساندر در معماری و شهرسازی است. همزیستی فرهنگی و تعاملات معماری در این شهر، نه تنها به حفظ هویت‌های مختلف کمک کرده است، بلکه توانسته است فضای مشترک و پایداری را برای همه اقوام و ادیان فراهم کند. راهکارها و پیشنهادات زیر را می‌توانیم ارائه نماییم:

- ترویج استفاده از نظریه‌های الکساندر در معماری شهری: ارومیه می‌تواند به عنوان یک الگوی موفق از تطبیق نظریه‌های کریستوفر الکساندر، مانند "راه بی‌زمان" و "کیفیت‌های بی‌نام"، مورد مطالعه و الگوبرداری قرار گیرد. شهرهای دیگر نیز می‌توانند از این رویکرد بهره‌مند شوند تا با تقویت حس تعلق و هماهنگی با محیط طبیعی و فرهنگی، هویت محلی و پایداری اجتماعی را ارتقا دهند.
- حفظ و مرمت بناهای تاریخی با توجه به مصالح بومی: استفاده از مصالح بومی مانند آجر و سنگ که با شرایط اقلیمی ارومیه سازگاری دارند، باید در مرمت و حفظ بناهای تاریخی شهر ادامه یابد. این امر نه تنها به پایداری ساختمان‌ها کمک می‌کند، بلکه به حفظ ارتباط میان فرهنگ و محیط طبیعی کمک می‌کند.
- گسترش فضاهای عمومی برای تعاملات فرهنگی: فضاهای باز و گردهمایی‌های اجتماعی، همانند محیط‌های اطراف مساجد و کلیساها، باید تقویت شوند تا نقش مثبتی در همزیستی مسالمت‌آمیز و تقویت تعاملات بین اقوام و ادیان مختلف ایفا کنند. این فضاها می‌توانند به توسعه فرهنگی و تقویت پیوندهای اجتماعی کمک کنند.
- ایجاد برنامه‌های آموزشی و پژوهشی در حوزه معماری بومی: ترویج مطالعات و پژوهش‌های مربوط به معماری بومی و پایدار ارومیه در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی می‌تواند به شناخت بهتر هویت معماری و محیطی شهر کمک کند. برنامه‌های آموزشی باید به استفاده از مصالح بومی، تطابق با اقلیم، و طراحی‌های پایدار توجه کنند.

- ایجاد سیاست‌های حمایتی برای معماری پایدار و بومی: دولت و مسئولان محلی باید از سیاست‌هایی که به حفظ و تقویت هویت معماری بومی کمک می‌کند، حمایت کنند. استفاده از راهکارهای معماری پایدار مانند بهره‌گیری از انرژی طبیعی و توجه به اقلیم می‌تواند به توسعه پایدار شهر کمک کند.
- توسعه گردشگری فرهنگی و تاریخی: معرفی ارومیه به عنوان شهری که نمونه‌ای از تعاملات موفق فرهنگی و معماری است، می‌تواند باعث افزایش جذب گردشگر شود. این موضوع می‌تواند نقش مهمی در تقویت اقتصاد محلی و حفظ میراث فرهنگی داشته باشد.
- تدوین راهبردهای جامع برای حفظ همزیستی مسالمت‌آمیز: با توجه به سابقه همزیستی اقوام و ادیان مختلف در ارومیه، می‌توان سیاست‌ها و راهبردهای جامعی برای حفظ و تقویت این همزیستی از طریق معماری و طراحی شهری تدوین کرد.

منابع

- ۱) امان‌زادگان، الهام، و طبیبیان، منوچهر. (۱۴۰۰). قرائتی بر بازآفرینی شهری پایدار در بافت‌های تاریخی با تحلیل و ارزیابی تحقق‌پذیری معیارهای آن در محلات بافت تاریخی شیراز. برنامه ریزی توسعه کالبدی، ۸(۲)، ۱۱-۲۸. https://psp.journals.pnu.ac.ir/article_8037.html
- ۲) آهوئی، صادق، احمدی دیس فانی، یدالله، و کلانتری خلیل‌آباد، حسین. (۱۴۰۰). بازشناسی هویت خانه‌های سنتی ایرانی با تکیه بر عناصر کالبدی، اجتماعی و فرهنگی هویت ساز. مطالعات هنر اسلامی، ۱۸(۴۱)، ۷۴-۹۱. https://www.sysislamicartjournal.ir/article_127489.html
- ۳) آیشم معصومه (۱۳۹۵). طراحی مسیر اقوام و ادیان در بافت کهن شهر ارومیه با رویکرد گردشگری فرهنگی بر اساس طراحی ارزش‌مدار، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد طراحی شهری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- ۴) بهزاد پور، محمد، و توکل، مهشاد. (۱۴۰۰). بررسی مؤلفه‌های هویت بخش نما در مواجهه با معماری معاصر نمونه موردی شهر قزوین. شباک، ۷(۱) (پیاپی ۵۸)، ۶۸-۵۹. SID. <https://sid.ir/paper/526227/fa>
- ۵) بهزادفر مصطفی (۱۳۹۲). هویت شهر، نگاهی به هویت شهری، تهران. تهران مؤسسه نشر شهر
- ۶) پاکزاد جهان‌شاه (۱۳۸۶). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی، انتشارات شهرهای جدید.
- ۷) پیرنیا، کریم و معاریان، غلامحسین (۱۳۸۷). معماری ایران، تهران، نشر سروش دانش.
- ۸) پیشنماز اهری، رامین، و پناهی، علی. (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی نظام بازآفرینی بافت‌های تاریخی از منظر رویکردهای یکپارچه و پایدار (مورد مطالعه: کلان‌شهر تبریز). جغرافیا و روابط انسانی، ۶(۳)، ۲۱-۱. https://www.gahr.ir/article_185976.html
- ۹) خوش‌نیت، سعید و همکاران (۱۳۹۴) تحولات ساختاری معماری و شهرسازی ایران در دوران پهلوی اول (مطالعه موردی شهر ارومیه)، مجموعه مقالات برگزیده همایش هم‌اندیشی شهر ایرانی انتشارات اندیشه سهیل ارومیه، ایران .

- ۱۰) رحیم‌زاده محمدرضا و همکاران (۱۳۸۹). جایگاه درک ارزش‌های ماهوی اثر تاریخی در روند احیا، مجموعه مقالات نخستین همایش شناخت و معرفی مزیت‌ها و ظرفیت‌های احیا و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تهران، ایران.
- ۱۱) رخشان، احسان، ذبیحی، حسین، و ماجدی، حمید. (۱۳۹۷). بازخوانی مؤلفه‌های هویت بخش نما در منظر شهرهای معاصر. مدیریت شهری، ۱۷(۵۱)، ۷۵-۸۶. <https://sid.ir/paper/92034/fa> SID.
- ۱۲) سلطان‌زاده حسین (۱۳۷۲). فضاهاى شهری در بافت‌های تاریخی ایران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی تهران.
- ۱۳) سی‌دیان سید علی، جهان‌داری آرش، حمزه نژاد مهدی. رهیافتی بر تحقق‌پذیری هویت در معماری معاصر مطالعه موردی: شهر ساری. پژوهش‌های معماری اسلامی. ۱۴۰۱؛ ۱۰ (۴): ۱۲۶-۱۰۶. <https://jria.iust.ac.ir/article-1-1150-fa.html>
- ۱۴) طالعی، محبوب و رضی، مهرویه (۱۳۹۱). ارومیه در پرتو تاریخ، ادب و فرهنگ ایران زمین مجموعه مقالات همایش هم اندیشی شهر ایرانی، شهر تاریخی و فرهنگی ارومیه ص ۴۸۱.
- ۱۵) عباس‌زاده، مظفر (۱۳۸۴). طرح مرمت و ساماندهی مجموعه بازار ارومیه خیابان امام خمینی محدوده بازار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی دانشکده معماری، دانشگاه تهران.
- ۱۶) عثمانیان عظیم (۱۳۹۸)، ساماندهی سیما و منظر خیابان امام ارومیه با تأکید بر رویکرد بازآفرینی. پایان‌نامه ارشد طراحی، شهری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بین‌المللی قزوین.
- ۱۷) علی دوست، ریحانه سادات، کریمی آذری، امیررضا، و پرویزی، رضا. (۱۳۹۷). بررسی مؤلفه‌های هویت و مکان در بافت‌های تاریخی با رویکرد پدیدارشناسانه. با هدف دستیابی به اصول طراحی بافت‌های جدید شهری نمونه موردی: محله ساغریسازان رشت. معماری و شهرسازی پایدار، ۱۶(۱)، ۳۹-۶۰. SID. <https://sid.ir/paper/265497/fa>
- ۱۸) فرهاد، شراره، مقصودی گیلکی، محمدجواد، و هدایتی مرزبانی، معصومه. (۱۳۹۹). ارزیابی نقش رضایت مندی سکونتگاهی بر دل‌بستگی به مکان با تأکید بر مؤلفه‌های هویت ساز در محلات سنتی. مورد مطالعاتی: محله آقازمان شهر سنندج. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۳(۳۲)، ۲۶۷-۲۵۵. SID. <https://sid.ir/paper/385228/fa>
- ۱۹) فرهاد، شراره، ۱۴۰۱، بررسی نقش مؤلفه‌های هویت ساز برای افزایش حس تعلق به مکان در محلات سنتی. معمار شهر. دوره ۱، شماره ۲، مرداد ۱۴۰۱، صفحه ۳۰-۴۲. <https://sanad.iau.ir/Journal/memarshahr/Article/1041439>
- ۲۰) فلاح زرمی، زهرا، و حمزه نژاد، مهدی. (۱۴۰۲). بازشناسی مؤلفه‌های هویت بخش معماری در روند جهانی شدن و تبیین هویت معماری اسلامی در مواجهه با این عصر (با نگرش به تحلیل عناصر هویتی مسجد الحرام و حرم حضرت امام رضا.ع). پژوهشنامه خراسان بزرگ، ۱۴(۵۲)، ۱۹-۲۶.
- ۲۱) قبادیان وحید (۱۳۹۴). سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران، تهران: علم معمار روپال، چاپ سوم. https://jgk.imamreza.ac.ir/article_182572.html
- ۲۲) قربانی، محمد و نجفی، محمدرضا (۱۳۹۱). تأثیر فرهنگ‌های پیش از تاریخ و تاریخی در حاشیه دریاچه ارومیه بر شکل‌گیری شهر ارومیه از دیدگاه باستان‌شناسی، مجموعه مقالات همایش هم‌اندیشی شهر، ایرانی شهر تاریخی و فرهنگی ارومیه. ص ۶۱۳.